

چالش‌های پیش روی ارز سه نرخی

امیررضا سوری، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

گسترش صنعت

طرح سه نرخی شدن ارز که طی هفته‌های اخیر مطرح شد در نظر دارد تا کالاهای اساسی که جزو اولویت‌های وارداتی کشور هستند ارز با نرخ مرجع ۱۲۲۶ تومان، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای (ارز حاصل از صادرات) ارز ۱۵۰۰ تومان و کالاهای لوکس ارز بازار آزاد (حدود ۱۹۰۰ تومان) دریافت کنند. طرح ارایه شده بر اساس نگاه ورود و خروج کالا طراحی شده است حال آنکه کارکرد نرخ ارز محدود به ورود و خروج کالا نیست بلکه در زمینه‌های دیگر از جمله جایگزین پول در شرایط تورمی و یک متغیر تعیین کننده در انتظارات روانی است. نکته دیگر اینکه درجه‌بندی نرخ ارز برای دسته‌بندی کالاهای اولیه، واسطه و سرمایه‌ای خود محل مناقشه است و کنترل تخصیص ارز به این کالاها با توجه به تشدید فضای رانتی می‌تواند به افزایش فساد منجر شود زیرا رانت نهفته در این سیستم به شدت بالا است. مجموع این عوامل باعث می‌شود که بسیاری از فعالان اقتصادی کارکرد غیرطبیعی را از ارز انتظار داشته باشند یعنی این احساس شکل بگیرد که می‌توانند از ارز به عنوان جایگزین پول داخلی در ترکیب دارایی‌های پس‌انداز خود استفاده کنند. به عبارتی شکاف ارزی ایجاد شده منجر به افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری روی ارز و جایگزین شدن آن با پول ملی خواهد شد که این پدیده برای اقتصاد ایران پیامدهای زیان‌باری به دنبال دارد. این در حالی است که بند «ج» ماده ۸۱ قانون برنامه پنجم نیز به صراحت تکلیف کرده که نظام ارزی کشور، «شناور مدیریت شده» است و نرخ ارز باید با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین شود.

سیستم چند نرخی ارز پدیده‌ای نیست که منحصر به اقتصاد ایران باشد. در بسیاری از کشورهای مختلف جهان، پدیدار شدن بازارهای موازی ارز و استفاده از نظام دوگانه و یا چندگانه‌ی نرخ ارز، به عنوان یک راهبرد برای مقابله با بحران تراز پرداخت‌ها و یا اجرای سیاست‌های حمایتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بهره‌گیری از این راهبرد غالباً ناشی از وجود ضعف و مشکلات فراوان در ساختار اقتصادی و تراز پرداخت‌های خارجی است. بازارهای ارز موازی در کشورهای در حال توسعه معمولاً به علت کنترل معاملات ارزی و معاملات مربوط به حساب سرمایه به وجود می‌آید.

در حال حاضر نظام چند نرخ ارز به دلیل مشکلاتی چون شکل گیری نهاد های غیر رسمی و غیرقانونی برای مقابله با سیاست های ارزی حاکم، افزایش تقاضا برای واردات برای بهره مندی از ارز ارزان، جریان یافتن بخش زیادی از ارزهای دولتی در مسیر غیر قانونی، ایجاد فاصله بین قیمت نسبی کالاهای داخلی و قیمت نسبی کالاها در عرصه بین المللی، تخصیص نا کارآمد منابع و در نهایت کاهش بهره وری، تقویت روحیه سوداگری به جای ابتکار و تولید و ایجاد رانت های اقتصادی برای افراد سود جو و افزایش رانت و قاچاق کالا و ارز در دنیا منسوخ شده است .

اما چه راهکارهایی در این زمینه قابل تصور است؟ کلیدی ترین متغیر برای پیش بینی تلاطم های ارزی در کشورهای مختلف «نسبت نقدینگی بر ذخایر ارزی بانک مرکزی» است افزایش حجم نقدینگی به همراه تاکید بانک مرکزی بر ثابت نگه داشتن نرخ ارز و به عبارت دیگر ناهماهنگی سیاست های پولی با سیاست ارزی کشور یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر تلاطم های اخیر در بازار ارز کشور است. به عبارت دیگر با رشد نقدینگی، تقاضای بالقوه برای خرید ارز زیاد می شود و اگر ذخیره ارزی بانک مرکزی برای پاسخگویی به این تقاضا کافی نباشد، با بحران ارزی روبه رو خواهیم شد لذا قبل از هر اقدامی باید برای توقف روند رشد نقدینگی در اقتصاد کشور اقدام شود.

عامل دیگر بالا رفتن انتظارات مربوط به نرخ ارز از نگاه عامه مردم و فعالان اقتصادی است که از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی مختلف ناشی می شود و با سوداگری به تلاطم بازار ارز دامن می زند، لذا اتخاذ سیاست های مناسب پولی، بانکی و ارزی و مدیریت عوامل غیراقتصادی که روی انتظارات مردم در زمینه قیمت آتی ارز تاثیر می گذارد، بسیار مهم است.